ویترین: تازه‌های کتاب

آیینه جامعه در حال گذار

نگاهی به نمایش‌نامه شاه‌موش و مارا و دیوار ناتاشا محرم‌زاده

طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

در دورانـی که بـازار کتاب ایران زیر فشـار تیـراژ پایین و کپی‌کاری‌هـای مکرر آثـار ترجمه‌ای ناله می‌کنـد، گاه صدایی متفـاوت از راه می‌رسـد؛ صدایی که نه تنها تازه اسـت بلکه در سـاحت ادبیات نمایشی، اصالت و جسـارت را توأمان با خود دارد. «شاه‌موش، مارا و دیوار» از این دست صداهاست. کتابی با سه نمایش‌نامه مستقل از ناتاشا محرم‌زاده که همین روزها توسط نشـر نی در مجموعهٔ «جهان نمایش» منتشر شـده است. نام نویسنده برای بسیاری آشناست: برندهٔ جوایز متعددی چون جایزهٔ اسـتاد اکبر رادی، ناظرزاده‌کرمانی و صادق هدایت. اما مهم‌تر از جوایـز، کارنامهٔ اوسـت؛ کارنامه‌ای که نشـان می‌دهد چگونه می‌توان از زیست روزمره، تجربه‌های انسانی، تاریخ، روان‌کاوی و ادبیات کلاسـیک، جهانی دراماتیک خلق کرد؛ بی‌آن‌که به دام شـعارزدگی یا تقلید بیفتد. ناتاشـا محرم‌زاده، نویسنده، مترجم و پژوهش‌گـر حـوزهٔ ادبیـات و روانکاوی متولد سـال ۱۳۵۸ دانش‌آموختهٔ دکتری پژوهش هنر از دانشـگاه هنر تهران است. او از سال ۱۳۸۰ نوشتن داسـتان را به صورت حرفه‌ای آغاز کرد سپس وارد عرصهٔ نمایش‌نامه‌نویسی شـد. محرم‌زاده در مقدمهٔ «شـاه‌موش و مارا و دیوار» دربارهٔ شروع نمایش‌نامه‌نویسی‌اش نوشـته: «اواخر دههٔ ۸۰ و اوایا دههٔ ۹۰ بود کـه به‌طور جدی به نمایش‌نامه‌نویسی روی آوردم. در آن سال‌ها شور و حال غریبی بر سراسـر گیلان حکم‌فرما بود که مـن هم بخش کوچکی از آن بودم... مجموعه حاضر را بیش از هر چیز مدیون شـور و شوق وصف‌ناپذیر همکاران جوان تئاتری‌ام در گیلان بوده‌ام و هستم.» «شاه‌موش و مارا و دیوار» حاوی سه نمایش‌نامهٔ مجزا به نام‌های شـاه‌موش، مارا و دیوار اسـت. در نگاه نخسـت ممکن است این عنوان‌ها بی‌ربط به نظر برسـند امـا با خواندن نمایش‌نامه‌ها درمی‌یابیم که اشـتراک اصلی آن‌ها، مواجهه با بحران، شکاف و مرگ اسـت. این سـه‌گانه، درون‌مایهٔ تراژدی را به شکلی مدرن روایت می‌کند؛ با زبان و شـخصیت‌هایی بومی شده اما جهانی. نخستین نمایش‌نامه کتاب «شاه‌موش» در سال ۱۳۸۹ به نگارش درآمده اسـت؛ این نمایش‌نامه داسـتانی عجیب و در عین حال آشـنا را روایت می‌کند. خلق این متن از مواجههٔ واقعی نویسنده و همسرش با موشـی «دانا» الهام گرفته که مدت‌ها خانه‌شان را به اشـغال درآورده بود. موشی که به طرز معجزه‌آسایی از خوردن هر نوع مرگ‌موش سـر باز می‌زد تا سـرانجام در اثری روانی از اصوات آزارنده، تسلیم شد و با خوردن سمی که پیش‌تر نادیده‌اش می‌گرفت، خودکشی کرد. آن‌چه می‌توانست صرفاً روایتی طنزآلود از نبردی خانگی باشد، در ذهن نویسنده بدل شد به استعاره‌ای از زیست انسانی، اختیار، ترس و جنون. نمایش‌نامهٔ «شاه‌موش» در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نیز با نام «بگو نقطه سر خط» اجرا شده و اکنون فرصتی است تا مخاطب غیرنمایشی هم از متن آن بهره‌مند شود.

اما اگر «شـاه‌موش» روایتی تمثیلی و رئالیسـتی از خانه‌ای درگیـر با موجودی مزاحم اسـت، «مارا» با لحن و سـاختاری جدی‌تر وارد عرصهٔ تراژدی می‌شـود. ناتاشـا محرم‌زاده در این نمایش‌نامه با الهام از «آنتیگونه» سـوفوکل، روایتی نو می‌سازد. جنازه‌ای هست که باید دفن شود؛ اما مجالی برای این کار نیست. کشمکش اصلی، نبرد میان وجدان فردی و نظم اجتماعی است. با اینکه «مارا» خاسـتگاه تاریخی مشـخصی ندارد اما ردپای تاریخ معاصر را می‌توان در زیرمتن آن جسـت. این متن، حاصل سال‌ها بازنویسی است؛ نخستین بار در سال ۱۳۹۱ نوشته شد و سـرانجام در این کتاب به شـکلی پخته و قوام‌یافته، منتشر شده است. «مارا» نشان می‌دهد چگونه یک نویسنده ایرانی می‌تواند از سرچشمه‌های یونانی بنوشد اما متنی بنویسد که ریشه در خاک خودش دارد.

و امـا «دیوار»؛ سـومین نمایش‌نامه این کتـاب، که برخی تئاتری‌هـای گیلان آن را با نام «کلاژ» می‌شناسـند. اثری که در سـال ۱۳۹۰ نوشته و در سال ۱۳۹۳ برندهٔ جایزه استاد اکبر رادی در جشنوارهٔ تئاتر دانشگاهی شد. جالب آن‌که نویسنده، این متن را تنها در سـه شبانه‌روز و در پی دیدن چند عکس منتشرشده (و سپس حذف‌شـده) از سوی مستندسازی به نام رضا خوشدل‌راد نوشـت. متنی که حاصل تجربه‌ای آنی و تأثیرگذار اسـت اما در دل خود به سـال‌ها تأمل و مطالعه پشـت‌گرم است. نمایش‌نامهٔ «دیوار» از نظر سـاختاری متأثر از چند شاهکار جهانی است؛ «دشـمن مردم» اثر ایبسـن، «اولئاتا» دیوید ممـت و «مرگ فروشـنده» آرتور میلر. این تأثیرگذاری، آگاهانه و سـاختاری اسـت؛ نه تقلیدی و زبانی. شـاید به همین دلیل، محرم‌زاده در نخستین نسخه نام آن را کلاژ گذاشته بود.

ویراستاری این کتاب را رضا رضایی بر عهده داشته؛ مترجم و ویراستار شناخته‌شده‌ای که حضورش نشانی از دقت و وسواس در انتشـار متن اسـت. نویسـنده نیز تأکید کرده که رضایی از بازبینی تا مرحلهٔ نهایی انتشـار همراه او بوده است. حاصل این همراهی، متنی اسـت که نه‌فقط از حیث ادبی بلکه از نظر زبانی و دراماتیـک، صیقل‌خـورده و بی‌نقص به‌نظر می‌رسـد. کتاب «شـاه‌موش، مارا و دیوار» از جمله آثاری است که هم مخاطب دانشـگاهی را راضی می‌کند، هم خوانندهٔ عـام را می‌رباید و هم کارگردان تئاتر را وسوسـه می‌کند برای اجرا. این سه‌گانه نه‌فقط تجربهٔ زیستهٔ یک نویسنده که آینه‌ای است از جامعه‌ای در حال گذار، انسان‌هایی در کشمکش و ذهنی که میان نوشتن و تحلیل، میان خیال و واقعیت، آونگان است. در نهایت باید گفت، ادبیات نمایشـی ایران نیاز به چنین صداهایـی دارد؛ صداهایی زنانه اما نه محدود به جنسیت. صداهایی مسـتقل، پرشور، تحلیل‌گر و زاینده. اگر در پی خواندن نمایش‌نامه‌هایی هسـتید که هم عمق داشته باشند و هم جذابیت، هم تفکربرانگیزند و هم سرگرم‌کننده، شاه‌موش، مارا و دیوار را از دست ندهید.

شاه‌موش و مارا و دیوار
ناتاشا محرم‌زاده
نشر نی
۱۸۲ صفحه
۱۹۰ هزار تومان

هویت ایرانیان

سیدعباس صالحی در روز پاس‌داشت زبان فارسی عنوان کرد

آیین روز پاس‌داشـت زبان فارسی و بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت با حضور سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی، غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسـی، گریگور هاکوپیان سفیر ارمنسـتان در ایران، نعمت بیلدیریم و هاشـم رجب‌زاده اعضای افتخاری فرهنگسـتان و گلرخسـار صفی‌آوا عضو پیوسته فرهنگسـتان، جمعی از سفرا، استادان، شاهنامه‌شناسان و پژوهشـگران ادب فارسی در تالار قلم کتابخانه ملی برگزار شد.

وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی در این مراسـم زبان فارسـی را اصلی‌ترین رکن هویتی ایران دانسـت و گفت: «هر زبان کارکردهای مختلفی از جمله کارکردهای ارتباطی، عاطفی، ادبی و هنری دارد اما زبان در بسیاری از حوزه‌های جهانی یک کارکرد هویتی هم دارد. در کشور ما نیز چنین رویکردی وجود دارد. هویت دارای چندضلع است و چند برداشـت از آن می‌توان داشـت؛ از یک سو تشخص‌بخش و تمایزبخش است و فاصله با دیگری را تعریف می‌کند. هم‌چنین زبان، معنابخش و الهام‌بخش روحی برای کالبد یک ملت است که اگر این روح کمرنگ شـود، طبیعتا یک جامعه و ملت احساس کم‌معنایی و شـاید بی‌معنایی بکند. بر این اساس، هویت این دو بخش را توامان دارد، هم تشخص می‌بخشـد، هم مانع از خلق‌شدگی می‌شود و هم معنابخشـی می‌کند و فرصتی برای تپش زنده به یک ملت می‌دهد. زبان فارسـی در هویت ایرانی رکن اصلی است، در کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران»، نقل قولی از شهید مطهری آمده است مبنی بر این‌که در برخی فرهنگ‌ها، زبان بیشتر از دین یا جامعه در ادامه دادن یا بر جای ماندن آن فرهنگ نقش دارد، اهمیت این اصل قابل تامل اسـت که ما به این نگاه بیشتر توجه کنیم که زبان فارسی اصلی‌ترین رکن هویت ایرانی است. مولفه‌های هویت ایرانی در معرض تحولات تاریخی قرار گرفتند، تحولات زبان فارسـی میانی نسبت به فارسی باستان خیلی گسترده‌تر و تحولات فارسی نوین پس از اسلام نسبت به فارسی میانی بسیار کمتر است اما این دوره‌های تاریخی قابل توجه شد. زمانی که فتوحات اسلامی به ایران می‌رسد، زبان تغییر نمی‌کند امـا در خاورمیانه، مصـر و بخش‌هایی از شـمال آفریقا زبان تغییر می‌کند. آیا فاتحان متفاوت عمل کردند به نظر نمی‌آید چنین باشـد، برداشتم این اسـت که ظرف زبان فارسی می‌توانست حامل تفکرات دینی جدید باشد؛ ظرفیتی که در زبان فارسی بوده و به سرعت توانسته اسـت با دین جدید نسـبت برقرار کند. بر این اساس نیازی به تغییر زبان پدیـد نمی‌آمد. با همین نگاه هم وقتی کـه اسلام می‌خواهد از ایران به سـمت قاره‌ها و کشورهای دیگر همچون پاکستان و مالزی برود با ظرف زبانی زبان فارسـی منتقل شـده است؛ چون این زبان قدرت ارتباطی بیشـتری نسـبت به زبان عربی دارد. زبان فارسی از هویت ایرانی اسلامی تفکیک‌ناپذیر است، میان ایران و زبان فارسی یک پیوند عمیقی با هویت دینی ایجاد شده و از این جهت متفاوت با زبان‌های دیگر است و مسلمانان در کنار زبان فارسی با هویت دینی ارتباط عمیقی برقرار می‌کنند. دینداری ایران در بسـتر زبان فارسی حرکت کرده و این اثبات‌پذیر است. هم‌چنین بخشی از هویت ایرانی، زبان فارسی است که توسط همه اقوام ایرانی ساخته و پرداخته است و به عنوان زبان میانجی می‌توان از آن برای برقراری ارتباط اسـتفاده کـرد. ارزش‌ها و اسـطوره‌ها در طول قرون مختلف در بسـتر زبان فارسی شـکل گرفتند و این زبان بیشترین اشعار و ضرب‌المثل‌ها را درون خودش دارد که شـکل‌دهنده هویت‌های ارتباطی و اجتماعی هستند.

وزیر فرهنگ و ارشـاد اسلامی در ادامه گفـت: «اگر حوزه‌هایی همچون خلیج فارس را مهم می‌دانیم که حتما باید مهم بدانیم و هیچ

گزارش: سینمای ایران

اعتراض مونا به تایید حکم قاتل

فرزند داریوش مهرجویی خواستار عدم اجرای حکم اعدام شد

رئیس کل دادگستری اسـتان البرز با اعلام تایید احکام صادره درخصوص پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش در دیوانعالی کشور گفت که بر این اساس، رای دو بار قصاص نفس متهم ردیف اول تایید و جهت طی فرآیند اجرا ارسال شد.

حسین فاضلی‌هریکندی با اعلام تایید رای پرونده قتل داریوش مهرجویی در دیوانعالی کشـور گفت: دادگستری کل استان البرز بلافاصله پس از وقـوع قتل مرحوم داریوش مهرجویی و مرحومه رقیه (وحیده) محمدی‌فر در حوزه قضایی شهرسـتان فردیس در ۲۲ مهرماه سـال ۱۴۰۲ ورود جدی و سـریع به این پرونده داشت و با پیگیری و اجرای رهنمودهای رئیس قوه قضاییه و دسـتورات ویژه‌ای که ایشـان بلافاصله پس از وقوع قتل جهت تسـریع در شناسایی و دسـتگیری متهمان و رسیدگی به پرونده صادر نمود با تلاش شـبانه‌روزی در کمتـر از ۵ روز از وقوع قتل، کلیه متهمان پرونده شناسایی و دستگیر شدند.

رئیس کل دادگسـتری اسـتان البرز با یادآوری اینکه در اجرای دسـتورات رئیس قوه قضاییه با پیگیری و نظارت مستمر معاونت پیگیـری جرایـم خاص دادگسـتری کل اسـتان البـرز و تلاش شبانه‌روزی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان فردیس در کمتر از دو ماه پس از وقوع قتل با تکمیل تحقیقات، کیفرخواست چهار متهم پرونده صادر و جهت رسـیدگی به دادگاه کیفری یک استان البرز ارجاع شـد، اضافه کرد: در ادامه نیز رسـیدگی به پرونده به صورت ویژه در شـعبه اول دادگاه کیفری یک اسـتان البرز آغاز و جلسـات رسـیدگی در تاریخ‌های ۲۷ و ۲۸ دی ماه سال ۱۴۰۲ در دو نوبت صبح و بعدازظهر در قالب سـه جلسـه با حضور وکلای متهمان و اولیای دم برگزار و نهایتا پس از اعلام ختم رسیدگی، رای پرونده در کمتر از چهار ماه پس از وقوع قتل صادر شد.

وی به بیان جزئیات رای صادره برای چهار متهم پرونده در شعبه اول دادگاه کیفری یک اسـتان البرز پرداخت و متذکر شـد: متهم ردیف اول به اتهام ارتکاب دو فقره قتل عمد به دو بار قصاص نفس و به اتهامات دیگر از جمله سرقت به حدود ۲۷ سال حبس محکوم شد و برای سه متهم دیگر به اتهامات مختلف از قبیل شروع به قتل عمدی و معاونت در آن، ضرب و جرح عمدی و سـرقت مجموعا ۷۷ سال حبس تعیین شد.

رئیس کل دادگسـتری استان البرز با بیان اینکه حکم شعبه اول